

روایت تحلیلی «ایران جمعه» از خاطرات پرویز ثابتی که در کتاب «در دامگه حادثه» و در خارج از ایران منتشر شده است را در صفحه ۱۰ بخوانید

ارتباط پیچیده ثابتی با سازمان منافقین و سیا

محمد مهدی اسلامی

پژوهشگر

سری عملیاتی، صادر کرد، اما ثابتی برخلاف هویدا و نصیری رئیس سابق ساواک که بازداشت شدند، توانست با استفاده از مدارک جعلی قبل از دستگیری از ایران بگریزد. دکتر حسین آبادیان در مقاله‌ای از بخشی از این پرونده رونمایی کرده است. طبق همان تحقیقات نیمه‌کاره انصاری، پرویز ثابتی در برنامه‌ریزی برای قتل سرهنگ هاوکینز و دیگر مستشاران نظامی آمریکا و همچنین سرتپ رضایندی‌پور رئیس کمیته مشترک ضد خرابکاری، دخالت داشته است. او مدعی است قتل رضایندی‌پور برای آن انجام گرفت که می‌خواست روابط پیدا و پنهان مقام امنیتی را تحت کنترل در آورد. رضایندی‌پور با زندانیان کمیته طبق الگوی ثابتی رفتار نمی‌کرد،

در روزهایی که بلوک غرب بویژه آمریکا بشدت دلوایس نفوذ مارکسیسم به ایران و توسعه جای پای شوروی در خاورمیانه بود؛ پرویز ثابتی اقدامات متعددی جهت مقابله با تفکرات چپگرایانه داشت. به عنوان نمونه وی در کتاب «در دامگه حادثه» شرح داده که کتاب اولدوز و کلاغ‌های صمد بهرنگی را پیش فرح پهلوی برده و تأکید کرده نویسندگانی مثل صمد بهرنگی از راه داستان، افکار کمونیستی را ترویج می‌دهند و باید جلوی آنها گرفته شود. همچنین نزد مقامات بالاتر و شاه اصرار داشته با فعالان سیاسی و نویسندگان جدی‌تر و شدیدتر برخورد شود. اما یکی از اقدامات موفق وی، اعمال نفوذ با ایجاد تغییرات در یک گروه چریکی مشهور و کنترل سازمان



منافقین از طریق تغییر در رهبری بود. آنگونه که در کتاب خاطرات پرویز ثابتی آمده، وی که در مقطعی کوتاه در دهه ۳۰ با کاظم رجوی آشنایی داشت، در سال ۱۳۴۷ در سوئیس به دیدار وی رفته و او را به استخدام ساواک در می‌آورد. در مرحله بعد مسعود رجوی که محکوم به اعدام بوده است از طریق مکاتبات به برادرش کاظم وصل می‌شود و پس از حصول اطمینان از اثرپذیری وی از برادرش، با گزارش ساواک درباره همکاری وی، تنها عضو گروهش می‌شود که از اعدام نجات می‌یابد. به وسیله کاظم رجوی که مرتبط با ثابتی بود، ارتباط سازمان با سیا برقرار می‌شود؛ امری که بعدها سفیر شوروی در آلمان نیز اطلاعاتی درباره‌اش به ایران داد. اما موضوع وقتی جالب می‌شود که پرونده دیگری را از نظر بگذرانیم. هنگامی که شاه برای کاهش از مغفورت در افکار عمومی تنها چاره خود را در اقرار به فساد برخی اطرافیان و اعلام برائت از آنها دید، پرونده برخی سران به دادگاه رفت. سرگرد پرویز انصاری که تصویلات حقوق جزا داشت، به پیشنهاد ارتشید ازهار می‌مؤقت شاه، به عنوان باز پرس قانونی در آبان ماه سال ۱۳۵۷ پرونده این فسادها را دست گرفت و از جمله حکم بازداشت پرویز ثابتی را به اتهام جنایت، خیانت و سرقت بود چه



امور خارجه خواسته شد برای استرداد وی به کشور اقدام کند. همچنین اموال وی و وابستگان درجه یک او نیز مصادره شد. در پی صدور حکم مصادره اموال ثابتی و بستگان درجه یک او به غیر یکی از منازل مسکونی‌اش در شهرک قدس تهران (شهرک غرب) که به نام دخترش پریسا بوده و در ۲۱ خرداد ۱۳۵۷ به سفارت امارات متحده عربی منتقل شده بود، شناسایی و مصادره شد. برخی از این اموال عبارت بود از: دو قطعه زمین واقع در شهرک غرب تهران (شهرک قدس فعلی)، منزلی واقع در محله سیدخندان، منزلی دو طبقه در محله نیاوران تهران، یک قطعه زمین در شهر بندر ترکمن، ملکی واقع در خیابان اقدسیه تهران و یک دستگاه خودروی بی ام و.

شایعات پیرامون فرار

درباره سرنوشت ثابتی در خارج از کشور نیز شایعات بر سر زبان‌ها افتاد. در اولین روزهای پیروزی انقلاب اسلامی از حضور وی در کاستاریکا سخن به میان آمد. همچنین شایع شد که وی پس از خروج از کشور، راهی سرزمین‌های اشغالی فلسطین شده و در یکی از بیمارستان‌های رژیم صهیونیستی با انجام عمل جراحی پلاستیک، قیافه‌ظاهری خود را تغییر داده تا شناسایی نشده و از خشم انقلابیون در امان بماند.

به فکر کودتا

وی ابتدا در سوئیس پایگاه بزرگی برای جمع‌آوری وفاداران به نظام سلطنتی پهلوی و اعضای گریخته ساواک تشکیل داد و از وجوه هنگفتی که شخص محمدرضا پهلوی در سال اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی در اختیار وی قرار داده بود، همچنین با استفاده از مبالغ پرداختی از سوی برخی ثروتمندان فراری از کشور، عملیاتی علیه ایران اسلامی انجام داد و در پی یک کودتا اما در این راه موفقیتی کسب نکرد.

همچنین وی در ۱۰ سال اول پس از پیروزی انقلاب اسلامی به پیشنهاد سازمان «سیا» با رضا پهلوی همکاری کرد و در اقدامات وی بر ضد جمهوری اسلامی ایران مشارکت داشت. گفته می‌شود ماهانه ۵۰ هزار دلار از کمک‌های سازمان سیا به رضا پهلوی به پرویز ثابتی تعلق می‌گیرد. ثابتی هنوز هم به مبارزه با جمهوری اسلامی ایران مشغول است. او ستادی در خارج از مرزهای ایران به وجود آورده و منطبق با سیاست‌های کاخ سفید در رابطه با ایران عمل می‌کند. تمرکز اصلی ثابتی اکنون بر شبکه تلویزیونی «آزادی» است که از لس آنجلس آمریکا برنامه پخش می‌کند. وی در سال‌های اخیر برای جمع‌آوری اطلاعات و گفت‌وگو با مخالفین جمهوری اسلامی ایران مسافرت‌هایی نیز به شیخ‌نشین‌های حاشیه جنوبی خلیج فارس داشته است. در بهمن ۱۳۹۰ نیز وی در مصاحبه تلویزیونی با یک شبکه ماهواره‌ای در پی تطهیر خود و حکومت پهلوی برآمده و منکر شکنجه زندانیان سیاسی در زندان‌های ساواک گردید. وی هم‌اکنون دهه نهم عمر خود را در خانه مجللش در سانفرانسیسکو می‌گذراند. او دو فرزند دختر دارد که با آمریکا همکاری‌های راهبردی در حوزه بیولوژیک و بنیاد کلینتون دارند.

نفوذ و قدرت ثابتی به حدی بود که در امور نمایندگی‌های ساواک در خارج از کشور کل متبوع وی خارج بود نیز مداخله میکرد. ثابتی دستگاه جاسوسی ساواک را با همکاری سازمان سیا و به کمک سرویس رژیم صهیونیستی در تمام نمایندگی‌های ایران در خارج از کشور گسترش داد. وی بارها دانشجویان مخالف حکومت را با کمک کشورهای غربی دستگیر و بر خلاف مقررات بین‌المللی به شکنجه گاه‌های ساواک تحویل میداد کشور موافقت شود.

فرار در سایه

حسین فردوست مدعی است که ۱۵ روز پیش از پیروزی انقلاب اسلامی با ثابتی دیدار داشته و حتی برخی دستگیرشدگان پس از پیروزی انقلاب اسلامی، مدعی‌اند که وی تا ۴۱ بدوازظهر روز ۲۱ بهمن ۱۳۵۷ عملاً ساواک تهران را رهبری می‌کرد. اما سندی از ساواک نشان می‌دهد که وی ساعت ۱۰ صبح روز نهم آبان ۱۳۵۷، یک روز پیش از آنکه حکم رسمی بازنشستگی‌اش ابلاغ شود با پرواز ۷۵۷ هواپیمایی ملی ایران و با نام مستعار عالیخانی، تهران را با هواپیمایی که مقصدش رم -ژنو- لندن اعلام شده بود، ترک کرده است و پس از آن با پاسپورت واقعی وارد آمریکا شد.

با پیروزی انقلاب اسلامی شکنجه‌های متعددی از سوی بستگان کسانی که به دست ساواک ناپدید شده یا شکنجه گردیده یا به قتل رسیده‌اند علیه پرویز ثابتی به دادگاه انقلاب ارسال شد. همچنین پرونده‌هایی که در سال‌های پایانی حکومت پهلوی علیه وی مطرح شده بود و با اعمال نفوذ مقامات حکومت مسکوت مانده بود، دوباره به جریان افتاد. براساس پرونده‌های پیشین و شکیات جدید همچنین شهادت بسیاری از زندانیان سیاسی دوره پهلوی دوم، در اوایل ۱۳۵۸، کیفرخواست دادستان انقلاب اسلامی تهران درباره پرویز ثابتی صادر شد. در این کیفرخواست وی به اتهاماتی چون ایراد ضرب و جرح، قتل، غارت بیت‌المال، مباشرت و معاونت در شکنجه، پرونده‌سازی و توقیف‌های غیرقانونی و مانند آن منتسب گردید. پیرو این کیفرخواست دادگاه محاکمه غیابی وی در ۱۵ فروردین ۱۳۵۸ برگزار شد و ضمن احراز اتهامات وی برای دادگاه، وی محکوم شد و از وزارت

زندانان با شوک الکتریکی احساس پیروزی می‌کرد، به گونه‌ای که تعدادی از زندانیان سیاسی حکومت پهلوی طعم تلخ شکنجه‌های وی را چشیده و از آن به عنوان بدترین دوران زندان خود یاد کرده‌اند.

عضویت در گروه آسپین

ثابتی با بازدید صلیب سرخ برای بررسی و نظارت بر عملکرد زندان‌ها مخالفت می‌کرد و مدعی بود که انجام اصلاحات مورد نظر صلیب سرخ، زندان را به هتل تبدیل می‌کند. با توجه به اعتماد حکومت به ثابتی، وی به عضویت گروه آسپین نیز درآمد. این گروه به دستور فرح پهلوی و به ریاست رضا قطبی، رئیس رادیو و تلویزیون ایران تشکیل شد و هدف آن زمینه‌سازی حکومت برای ولیعهد در صورت درگذشت محمدرضا پهلوی بود. توقیف مطبوعات در ۱۳۵۳، انحلال حزب ایران نوین و تأسیس حزب رستاخیز، همچنین تهیه نطق ۱۵ آبان ۱۳۵۷ برای محمدرضا پهلوی که در آن وی خطاب به مردم گفت: «صدای انقلاب شما را شنیدیم» از اقدامات گروه آسپین بود.

پرویز ثابتی در طول خدمت به حکومت پهلوی نشان‌های متعددی دریافت کرد و بارها از سوی ریاست ساواک نیز تقدیر شد. نشان درجه ۵ تاج، نشان درجه ۴ تاج، نشان درجه ۲ کوشش، نشان درجه ۲ پاس، نشان سیاست، نشان درجه ۳ ستاره خدمت و نشان طلای شهر، مدال‌های افتخار او در دوره پهلوی است. ثابتی در خانواده بهایی متولد شد، اما خود مدعی بود که مسلمان شده است. این در حالی است که ازادوی و با خانم نسرین غفارپور در ۱۴ شهریور ۱۳۵۱ مطابق آیین بهائیت انجام شده و ادعای مسلمان شدنش تظاهری بیش نیست.

اصرار به بازنشستگی

در هفتم آبان ۱۳۵۷ که شیرازه حکومت پهلوی در حال گسستن بود، ثابتی از سمت ریاست اداره کل سوم ساواک بر کنار و به عنوان مشاور رئیس ساواک منصوب شد؛ اما این سمت نیز دیری نپایید و وی در ۱۰ آبان همان سال از ساواک بازنشسته شد. به نظر می‌رسد اطلاعات وی از مجموعه حکومت، نشان از سقوط قریب‌الوقوع آن می‌داد و کنار رفتن وی از اداره کل سوم ساواک و سپس بازنشستگی‌اش برای او که فردی باهوش بود به سان فرار از مهلکه بود. پرویز ثابتی خود در نامه‌ای خطاب به رئیس ساواک نوشته که قرار است سمت دیگری بیرون از ساواک به وی داده شود، اما با توجه به فعالیتش در ساواک، کار در سایر ادارات را به صلاح ندانسته و تقاضا کرده که با بازنشستگی‌اش موافقت شود تا از طریق وزارت امور خارجه به مأموریت خارج از کشور اعزام شود. با وجود وفاداری ثابتی به خاندان پهلوی، او در زمره نخستین کسانی بود که کشور را پیش از سقوط سلطنت ترک کرد. او به دلیل آنکه موقعیتش را در خطر می‌دید و سقوط حکومت پهلوی را پیش‌بینی می‌کرد، یک ماه پیش از خروج از کشور خانه‌اش را به سفیر یکی از کشورهای عربی فروخت و معادل یک تا دو میلیون تومان ارز از کشور خارج کرد. پرویز ثابتی از سوی سازمان سیا در تهران وعده اشتغال در آمریکا گرفته بود؛ به همین دلیل با وجودی که به اتهام قتل عمد از سوی دادسرای تهران ممنوع‌الخروج بود از دولت تقاضا کرد با مسافرتش به خارج از

منابع:

- کتاب دانشنامه زندان سیاسی دوران پهلوی
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی
- خاطرات فردوست
- اسناد لانه جاسوسی آمریکا